

جمعیت‌شناسی ایران / سال پانزدهم، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۹۹، ۳۲۱-۳۴۲

مقاله پژوهشی

فهم ذهنی مهاجران از جاذبه و دافعه مقصد و مبدأ مهاجرت:

مطالعه موردی مهاجران محله خلیج فارس شمالی تهران

یونس اکبری^۱

چکیده

غالب تحقیقاتی که به بررسی نقش دافعه‌ها و جاذبه‌ها در مهاجرت پرداخته‌اند از رویکرد اثبات‌گرایی و کمی به مسئله مهاجرت پرداخته‌اند و عموماً تفاسیر ذهنی مهاجران نسبت به دافعه و جاذبه مبدأ و مقصد را نادیده گرفته‌اند. روش تحقیق در این پژوهش روش کیفی و حجم نمونه ۲۳ نفر بوده که از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. مصاحبه‌های انجام شده با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای عرفی تحلیل شدند. نتایج بیانگر این است که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، جنبه‌های اقتصادی و معیشتی و شغلی عامل اصلی مهاجرت از حاشیه‌ها به سوی مرکز است. با این حال پس از مهاجرت و استقرار در مقصد، عوامل گوناگونی به نسبت قبل از مهاجرت به دافعه و یا جاذبه تبدیل می‌گردند که چندان ارتباطی با نظریه‌های اقتصادی مهاجرت ندارد. تغییرات ذکر شده از طریق در نظر گرفتن نحوه زیست در اجتماع و جامعه یا به عبارت دیگر زیستن در محیط اجتماعی کوچک و خرد مقیاس و زیستن در کلانشهرها قابل تبیین است. به عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که جاذبه و دافعه‌های یک محل تنها به وضعیت خود آن محل بر نمی‌گردد بلکه این دافعه‌ها و جاذبه در پیوند با محلی دیگر و در یک مکانیسم مقایسه است که در ذهن فرد شکل و قوام به خود می‌گیرد. **واژگان کلیدی:** جاذبه، دافعه، مهاجرت داخلی، تفهم، تفسیر ذهنی.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۱

۱ مربی جامعه‌شناسی، گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
younes.akbari1987@gmail.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.134727.1157>

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت یک انتقال اصلی از ساخت مرکزی جامعه را نشان می‌دهد که در آن مردم از اجتماعات کم برخوردار به اجتماعات بزرگتر و عمدتاً برخوردار حرکت می‌کنند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۵۰). بر اساس آمارهای سازمان ملل سیر صعودی مهاجرت در جهان از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۹ افزایش ۱٫۲ درصدی داشته است. به طوری که آمار مهاجرت در این بازه زمانی از حدود ۱۱۴ میلیون نفر (۲٫۳ درصد جمعیت جهان) به نزدیک به ۲۷۲ میلیون نفر (۳٫۵ درصد جمعیت کل جهان) رسیده است. بر اساس این آمار در سال ۲۰۲۰ از هر ۳۰ نفر در جهان ۱ نفر مهاجرت کرده است (سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، ۲۰۱۹). در ایران نیز داده‌های حاصل از سرشماری بیانگر این مطلب است که بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۴۱۷۷۶۷۹ نفر محل اقامت خود را در داخل کشور تغییر داده‌اند که از این تعداد ۲۸۵۲۳۴۹ نفر (۶۸ درصد) از شهر به شهر، ۶۰۸۰۳۱ نفر (۱۵ درصد) از روستا به شهر، ۲۱۰۳۸۳ نفر (۵ درصد) از روستا به روستا و ۵۰۶۹۱۶ نفر (۱۲ درصد) از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد افراد مهاجرت کرده به تهران نیز برابر ۸۴۴۹۲۵ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

کشور ایران در طول نیم قرن اخیر با تحولات و گذار جمعیتی زیادی از قبیل گذار بیماری و مرگ و میر، گذار باروری، گذار خانواده، گذار شهری و گذار مهاجرتی مواجه بوده است. در این میان اهمیت گذار مهاجرتی و پویایی آن افزایش یافته و به مولفه‌ی بسیار مهم پویایی جمعیت ایران تبدیل شده است. این جابه‌جایی‌ها رشد جمعیت منطقه‌ای، ساختار اجتماعی و جمعیتی را تحت تاثیر قرار داده است. از این رو، بررسی ابعاد مختلف مهاجرت مهاجران که سبب این تحولات جمعیتی می‌شود، ضرورت خود را به محققین و سیاستگذاران دیکته می‌کند. غالباً جمعیت‌شناسان برای تبیین این گذار و تحرکات جمعیتی به نقش عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدأ تاکید دارند و بر این نظرند که یک محیط متشکل از عواملی است که نقش دو گانه دارد که هم می‌تواند عامل جذب و هم عامل دفع جمعیت باشد. با این حال، غالب تحقیقاتی که

به بررسی نقش دافعه‌ها و جاذبه‌ها در مهاجرت افراد پرداخته‌اند از رویکرد اثبات‌گرایی و کمی به مسئله مهاجرت پرداخته‌اند و کمتر به تفاسیر ذهنی مهاجران در برآورد دافعه و جاذبه مبدأ و مقصد توجه کرده‌اند. مقاله حاضر درصدد است تفاسیر ذهنی مهاجران را از جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد مهاجرت را از دیدگاه مهاجران محله خلیج فارس شمالی مورد بررسی قرار دهد. در این راستا سوالات زیر مطرح می‌گردند:

تفسیر ذهنی مهاجران محله خلیج فارس شمالی از جاذبه‌ها و دافعه‌های مقصد چیست؟

تفسیر ذهنی مهاجران محله خلیج فارس شمالی از جاذبه‌ها و دافعه‌های مبدأ چیست؟

ملاحظات نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش ابتدا سعی شده مروری اجمالی بر نظریه‌های مهاجرتی مرتبط با موضوع تحقیق شود و با استفاده از نظریه‌های مطرح شده در این بخش مفاهیم مورد استفاده در روند کار تدقیق شوند. درواقع از آنجا موضوع این تحقیق از جنس تحقیقات کیفی است و تفاسیر مشارکت‌کنندگان مبنای واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده، ذکر نظریات مرتبط در این بخش به جهت استفاده از مفاهیم موجود و روشن‌تر کردن مسیر پیش‌روی محقق است و نه اخذ فرضیات و دلالت‌های نظری.

مهمترین و نخستین نظریه‌ای که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ درباره حرکت‌های جغرافیایی انسان‌ها در جوامع مطرح شد تحت عنوان مدل‌های جاذبه و دافعه^۱ شناخته می‌شوند. در این مدل‌ها نظریه‌پردازان به‌طورکلی به دو دسته عوامل توجه دارند: عواملی که باعث دفع انسان‌ها از محل سکونت خود (منطقه مبدأ) شده‌اند و دسته دوم عواملی که باعث جذب آن‌ها در منطقه مقصد می‌گردد. نخستین تبیین نظری در خصوص قانونمندی‌های مهاجرت توسط ارنست جورج راونشتاین^۲ (۱۸۸۵؛ ۱۸۸۹) تحت عنوان قوانین مهاجرت و در قالب دو مقاله به چاپ رسید. در مدل وی دو دسته عوامل جاذبه و دافعه در کنار متغیر فاصله جغرافیایی مورد تأکید است (میرزامصطفی و قاسمی، ۱۳۹۲).

1 Pull and Push Models

2 Ernst Georg Ravenstein

قوانین بنیادین راونشتاین که مبتنی بر مشاهدات داخلی در انگلستان و ولز در اواخر قرن نوزدهم می‌باشد، بیشتر بر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی تأکید دارد و در مجموع هفت قانون را در بر می‌گیرد: ۱. ثابت شده است که حجم عظیمی از مهاجران تنها یک مسافت کوتاه را می‌پیمایند. ۲. فرآیندهای جذب در کل به این شکل عمل می‌کنند که ساکنان یک کشور اطراف شهری که رشد سریع دارد جمع می‌شوند. نیروی جاذبه یکی از شهرهایی که رشد سریع دارد، به‌طور مرحله به مرحله به اقصی نقاط کشور نفوذ کرده و به این ترتیب آن شهر از مهاجر پُر خواهد شد. ۳. فرآیند دفع، عکس فرآیند جذب عمل می‌کند و ویژگی‌های مشابهی دارد. ۴. در مقابل هر جریان مهاجرتی یک ضد جریان نیز شکل خواهد گرفت. ۵. هر چقدر فاصله بین مبدأ و مقصد بیشتر و به عبارتی فاصله طولانی‌تر باشد معمولاً مهاجران ترجیح می‌دهند به یکی از شهرهای بزرگ تجاری و صنعتی بروند. ۶. شهریان در مقایسه با روستاییان کمتر مهاجرت می‌کنند و ۷. در جایی که مسافت کوتاه باشد، زنان بیشتر از مردان اقدام به مهاجرت می‌کنند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

از نظر راونشتاین عوامل تعیین‌کننده مهاجرت، فاصله جغرافیایی و امکانات رفاهی در مبدأ و مقصد است، بنابر نظر وی هرچه مسافت جاده‌ای بین مبدأ و مقصد بیشتر باشد حجم مهاجرت کمتر می‌شود (محمودیان و مشفق، ۱۳۸۷). راونشتاین علاوه بر در نظر گرفتن سایر عوامل موثر بر مهاجرت به نقش عوامل اقتصادی بر روی این واقعه‌ی جمعیتی تأکید ویژه‌ای داشت (پاپلی-یزدی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

زیپف^۱ (۱۹۴۶) از دیگر نظریه پردازانی است که مشخصاً متأثر از قانون اول راونشتاین به طرح نظر خود پرداخته است. به باور وی مهاجرت از شهری به شهر دیگر رابطه مستقیمی با تعداد جمعیت آن دو شهر و رابطه معکوسی با فاصله آن‌ها دارد. به باور وی حجم و شدت مهاجرت، تابعی از حجم و تعداد جمعیت و مسافت است. به نظر وی هرچه مسافت جاده‌ای بین مبدأ و مقصد بیشتر، حجم و نسبت تبادل مهاجران بین مبدأ و مقصد کمتر می‌شود، به‌علاوه

هرچه حجم جمعیت مقصد نسبت به مبدأ بیشتر باشد مهاجرپذیری مقصد بیشتر می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

توماس^۱ (۱۹۴۱) نظریه‌پرداز دیگری است که در نظریه جاذبه و دافعه خود بر عدم تعادل اقتصادی - اجتماعی بین مبدأ و مقصد مهاجرت تاکید دارد و بر این نظر است که وضعیت نامطلوب اجتماعی و اقتصادی در مبدأ از یک سو و وضعیت مطلوب اجتماعی - اقتصادی در مقصد از سوی دیگر سبب می‌شود که جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد شکل گیرد و تا زمانی که این عدم تعادل برطرف نشد روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. به عبارت دیگر تاکید این نظریه بر وجود فرصت‌های شغلی، اشتغال و فرصت‌های مطلوب زندگی اجتماعی و اقتصادی در مقصد به عنوان جاذبه و فقر و بیکاری و وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی در مبدأ به عنوان دافعه مهاجرت است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

همچنین اورت.اس.لی^۲ (۱۹۶۶) در قالب نظریه دفع و جذب به تحلیل عوامل میانی بین مبدأ و مقصد پرداخت. لی عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرایند آن وارد می‌شوند را تحت چهار عنوان خلاصه کرده است: (۱) عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارد، (۲) عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارد، (۳) موانع بازدارنده و (۴) عوامل شخصی. در هر حوزه عوامل متعددی در جذب افراد در آن حوزه موثر بوده و همچنین عوامل دیگری موجب دفع افراد از آن حوزه می‌شوند و عوامل دیگری هم برای افراد ضروراً خنثی می‌باشد. یک نظام آموزشی خوب ممکن است جزء عوامل مثبت برای کودکان و نوجوانان و عاملی منفی برای شهروندانی که فاقد بچه هستند، باشد، چون که بخاطر تحصیل مالیات زیادی اخذ می‌گردد، درحالی‌که برای مرد مجرد فاقد دارائی مشمول مالیات، در این حالت بی‌تفاوت و خنثی محسوب می‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۱). به عبارت دیگر عوامل موثر بر جاذبه و دافعه بر حسب خصوصیات زمینه‌ای افراد شکل متفاوتی به خود می‌گیرند و برای تبیین این تفاوت‌ها لی از مفهوم "موانع مداخله‌گر" بهره گرفته است. به نظر لی برخی از این موانع می‌توانند اثرات کمی بر مهاجرت داشته و قابل رفع

1 D.S.Thomas

2 Everett.S.Lee

شدن هستند و برخی دیگر دارای اثرات کلی و قابل رفع نیستند. در همین راستا موانع مداخله‌گر نیز می‌توانند بر حسب زمینه اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد داشته باشند و آنچه را برای یک فرد عامل عامل جاذبه یا مانع جزئی باشد برای فرد دیگر به عامل دافعه و مانع کلی (مانند هزینه حمل و نقل برای فردی ثروتمند و فردی تنگدست) بدل کنند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۲).

در زمینه موضوع مهاجرت در رشته‌های مختلف علمی چه در داخل کشور (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷؛ راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸؛ غلامی و زمانی، ۱۳۸۹؛ رضوانی، ۱۳۸۹؛ زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰؛ قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ قاسمی، ۱۳۹۷؛ جعفرلو، ۱۳۹۷؛ محمودیان و محمودیانی (۱۳۹۷) و چه در خارج از کشور (هോഗارت^۱، ۱۹۹۶؛ چامپین^۲، ۲۰۰۱؛ ادوال^۳، ۲۰۰۵؛ براون و گلاسکو^۴، ۲۰۰۸؛ کاسای و شفر^۵، ۲۰۰۹؛ مندولا^۶؛ بیوچمین^۷، ۲۰۱۱؛ ریچارت^۸ و همکاران، ۲۰۱۴) مطالعات متعددی انجام شده است. از بررسی مطالعاتی که در زمینه علل مهاجرت‌های داخلی با تأکید بر مهاجرت به کلان‌شهرها وجود دارد را می‌توان چنین استنباط کرد که در مراحل شکل‌گیری کلان‌شهرها و رشد میزان شهرنشینی کشورها، این جاذبه شهرها (کلان‌شهرها) بود که بر دافعه آن‌ها غلبه داشت و مهاجران بی‌شماری را به سمت نواحی شهری می‌کشاند. نظریه‌ها و مطالعاتی هم که در این دوران تدوین شده است بیشتر به جاذبه‌های نقاط شهری و دافعه‌های روستایی تأکید داشتند. بیکاری، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، نبود امکانات رفاهی، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی و رسانه‌های ارتباطی، عدم وجود شغل مناسب با تحصیلات افراد در نقاط روستایی و در مقابل، وجود شغل، فضای باز اجتماعی، مشاغل صنعتی و خدماتی مناسب با تحصیلات افراد، امکانات و تسهیلات رفاهی و بهداشتی، مسکن‌های مناسب، وجود رسانه‌های جمعی و خدمات آموزشی در نقاط شهری

1 Hoggart

2 Champion

3 Adewale

4 Brown, D., and N. Glasgow

5 Kahsai, M., and P. Schaeffer

6 Mendola

7 Beauchemin

8 Richart

از جمله مهمترین دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری مورد توجه مهاجران بودند. آنچه که مطالعات پیشین تأکید بیشتری بر آن دارند این است که در بیشتر مواقع، غلبه جاذبه‌های شهری بر دافعه‌های روستایی موجب می‌گردد موج‌های مهاجرتی عظیمی از نقاط روستایی به سوی شهرهای بزرگ در جریان باشد.

روش تحقیق

روش‌شناسی این پژوهش، کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسانه است. بدین معنا که سعی شده که تفاسیر ذهنی پاسخگویان از جاذبه و دافعه مقصد و مبدأ مبنای واقعیت اجتماعی قرار گیرد. در واقع، علت استفاده از این رویکرد بررسی تجربه زیسته و فهم ذهنی مشارکت‌کنندگان از دافعه و جاذبه مهاجرت است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. در این پژوهش با ۲۳ مشارکت‌کننده مصاحبه عمیق انجام شده است. از ۲۳ مشارکت‌کننده در این تحقیق ۱۶ نفر متأهل و ۷ نفر مجرد بوده‌اند که به صورت نمونه‌گیری نظری و به علت عدم آشنایی و دسترسی سخت به مهاجران با معرفی توسط سایر مشارکت‌کنندگان (گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی^۱ بهره گرفته شده است. در این روش تحلیل سعی شده که از به کار گرفتن مقوله‌ها و پیش‌پنداشته پرهیز شود و در عوض تلاش شده که مضامین و تم‌های اصلی از دل مصاحبه‌ها ناشی شود. در واقع، در این روش ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و سپس واحدهای معنایی و مفهومی مشخص گردید و یک مفهوم یا مقوله به هر واحد معنایی اختصاص یافت. در ادامه، این واحدهایی معنایی بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که با هم داشتند، دسته‌بندی شده و کدها و مفاهیم خاصی به آن‌ها اختصاص داده شد. در نهایت، به مجموع این دسته‌ها یک مقوله یا کد محوری یا هسته اطلاق شد. فرآیند ذکرشده در این تحقیق به وسیله نرم افزار مکس کیودا انجام شده و کدبندی

مصاحبه‌های تحقیق از این طریق میسر گردید. لازم به ذکر است که به منظور اطمینان از اعتبار تحقیق تلاش شده است که مشارکت‌کنندگان با تنوع و کثرت (جنسیت و سنین، شغل‌های گوناگون و ... در جهت غنی کردن اطلاعات از موضوع تحقیق) تجربه‌های گوناگون انتخاب شوند که بدین وسیله ابعاد گوناگون مسئله تحقیق بر حسب تجربه زیسته متفاوت مشارکت‌کنندگان روشن شود. علاوه بر این از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد و حتی بعد از اشباع نظری تعداد بیشتری مصاحبه صورت گرفت که شاید جنبه‌ای نو از مسئله تحقیق آشکار شود که این امر نیز (یعنی انتخاب روش مناسب گردآوری داده‌ها و تعداد و میزان داده‌ها) از معیارهای اطمینان از اعتبار تحقیق هستند. همچنین با انتخاب واحد معنایی مناسب سعی شد که کدهای اختصاص داده شده به واحدها جامع و مانع باشند که بدین وسیله جنبه‌ی دیگری از اعتبار تحقیق مسیر گردید. در نهایت نیز جهت تأمین اعتبار پاسخگو، یافته‌های تحقیق با برخی از مشارکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد که یافته‌ها با تجربه‌ی زیسته آن‌ها قرابت داشت.

ناحیه ۵ یا خلیج فارس (شمالی و جنوبی) در غربی‌ترین محدوده منطقه ۱۸ تهران به‌عنوان منطقه تحقیق انتخاب شده است. این ناحیه که مدت‌ها بین تهران و سایر شهرستان‌های این استان دست‌به‌دست شده سرانجام در سال ۱۳۸۴ به تهران و به منطقه ۱۸ ملحق و از آن زمان به بعد با تشکیل محلات خلیج فارس جنوبی و شمالی در محدوده ناحیه ۵ شهرداری منطقه ۱۸ قرار گرفت. جمعیت کل ناحیه ۷۴۷۲۴ نفر است که از این تعداد ۳۸۲۹۴ نفر مرد و تعداد ۳۶۴۳۰ نفر را زن تشکیل می‌دهند. تعداد خانوار در این ناحیه نیز ۲۲۴۰۴ خانوار است.^۱ در واقع میدان تحقیق در این پژوهش محله خلیج فارس شمالی شهر تهران است.

۱. مأخذ آمارها، از وبگاه شهرداری منطقه ۱۸ تهران (ناحیه ۵) در دیماه ۱۳۹۹ به نشانی زیر بوده است:

جدول ۱. ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنس	سن	وضعیت تاهل	شغل	تحصیلات	مدت مهاجرت
۱	مرد	۲۹	مجرد	دبیر	فوق لیسانس	۳ سال
۲	زن	۳۲	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۴ سال
۳	مرد	۳۵	مجرد	مغازه دار	لیسانس	۳۰ سال
۴	مرد	۶۷	متاهل	بازنشسته	ابتدایی	۴۰ سال
۵	مرد	۵۶	متاهل	بازنشسته	سیکل	۴۰ سال
۶	زن	۴۵	مجرد	کارمند	لیسانس	۵ سال
۷	مرد	۳۱	متاهل	دبیر	لیسانس	۳ سال
۸	مرد	۶۲	متاهل	بازنشسته	ابتدایی	۴۵ سال
۹	زن	۲۷	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۲ سال
۱۰	مرد	۳۶	مجرد	کارمند	لیسانس	۸ سال
۱۱	مرد	۳۳	متاهل	آزاد	دیپلم	۹ سال
۱۲	مرد	۲۷	متاهل	آزاد	دیپلم	۳ سال
۱۳	زن	۲۶	متاهل	خانه دار	دیپلم	۷ سال
۱۴	مرد	۳۱	متاهل	دبیر	دانشجوی دکتری	۲ سال
۱۵	زن	۲۶	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۱ سال
۱۶	زن	۲۸	متاهل	خبرنگار	فوق لیسانس	۱۰ سال
۱۷	مرد	۳۵	متاهل	کارگر	دیپلم	۱۱ سال
۱۸	زن	۲۵	متاهل	خانه دار	دیپلم	۸ سال
۱۹	مرد	۳۰	مجرد	آزاد	لیسانس	۴ سال
۲۰	مرد	۵۵	متاهل	آزاد	سیکل	۲۵ سال
۲۱	زن	۲۹	متاهل	خانه دار	دیپلم	۷ سال
۲۲	مرد	۳۱	مجرد	آزاد	دیپلم	۸ سال
۲۳	مرد	۳۳	مجرد	آزاد	لیسانس	۶ سال

یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق مقوله‌های محوری جاذبه و دافعه در مقصد و مبدأ بر مبنای تفاسیر ذهنی مشارکت‌کنندگان بر اساس کدبندی‌های باز و محوری مصاحبه‌های انجام شده تفسیر و توضیح داده شده‌اند و برای هر یک نیز شواهدی مستند از مصاحبه‌های انجام شده آورده شده است.

جدول ۲. مفاهیم و مقولات استخراج شده براساس تحلیل مصاحبه‌ها

کد هسته	مقولات	مفاهیم
دافعه و جاذبه مبدأ و مقصد مهاجرت	جاذبه مقصد	استفاده از امکانات در صورت وجود درآمد بالا، فراهم بودن امکانات برای پیشرفت شخصی، امکان پیشرفت تحصیلی، امکان پیشرفت شغلی، امکانات خدماتی رفاهی زیاد، امکان کسب درآمد بیشتر، وجود مشاغل زیاد
	جاذبه مبدأ	آب و هوای مطلوب، نبود مشکلات غربت، طبیعت بکر، احساس امنیت بیشتر، ارتباطات عمیق و صمیمی، معاشرت بیشتر، هزینه‌های کم زندگی، راحت بودن زندگی، نبود ترافیک و آلودگی
	دافعه مقصد	خودخواهی و خودمحوری مردم، نرسیدن به اهداف زندگی، آلودگی هوا، عصبی و پرخاشگر بودن مردم، مشکلات زیاد زندگی، غم غربت، ارتباطات سرد و سطحی، هزینه‌های زیاد زندگی، معاشرت و ارتباط کم، ترافیک زیاد، گرانی هزینه مسکن، شلوغی زیاد، خستگی روحی و روانی، خستگی جسمی همیشگی، فراغت کم
	دافعه مبدأ	نظارت جمعی زیاد، نقض حریم زندگی خصوصی، نبود امکانات ادامه تحصیل، وضعیت نامطلوب شغلی، نبود امکان پیشرفت شغلی، وضعیت بد اقتصادی، کار سخت و طاقت‌فرسا، درآمد پایین، امکانات رفاهی و خدماتی محدود،

الف) جاذبه‌های مقصد

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاکی از این است که مقصد مهاجرت که کلان‌شهر تهران است از نظر آن‌ها دارای جاذبه‌هایی است که سبب می‌شود آن‌ها

ترک دیار و زادگاه کنند و به تهران مهاجرت کنند. مشارکت‌کنندگان جوان در تحقیق حاضر بر این نظر و عقیده هستند که تهران امکان ادامه تحصیل را برای آن‌ها فراهم می‌آورد؛ چرا که در تهران مراکز علمی و دانشگاه‌های معتبر کشور استقرار یافته‌اند و دسترسی به منابع علمی، توسعه دانسته‌های علمی و در نتیجه کسب درجات علمی بالا و معتبر را برای آن‌ها فراهم می‌کند "اینجا همه جور امکانات بیشتره مثلاً بخوام ادامه تحصیل کنم برای کلاس‌های آموزشی بهتره اینجا... از لحاظ روحیه هم الان تهران برام بهتره. خیلی از دغدغه‌های شهرستان توش نیست".

مشارکت‌کنندگان هدف از بهره‌مندی از امکان تحصیل را کسب موقعیت‌های شغلی بالاتر عنوان می‌کنند که یکی دیگر از جاذبه‌های مقصد مهاجرت از دیدگاه آن‌هاست. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان جوان در تحقیق، کسب شغل و پیشرفت در آن شغل، امکانی است که در تهران برای آن‌ها فراهم است و می‌توانند با ترفیع در جایگاه علمی به چنین هدفی دست یابند. به نظر آن‌ها چنین هدفی در شهرستان برای آن‌ها امکان پذیر نبوده چرا که دسترسی به امکانات و کلاس‌های آموزشی برای ارتقاء دانش و صعود در پله‌کان مدارج دانشگاهی در شهرستان مهیا نبوده و این مهم یکی از دلایل آن‌ها برای مهاجرت به کلان‌شهر تهران بوده است. "تهران یه جور اجباره برای ما شهرستانی‌ها... چون مرکزیت تمام شغل‌ها بر میگردد تهران... بالا جبار... آگه همین شرایط شغلی مثلاً توی اصفهان، همدان یا هرجای دیگه فراهم می‌شد برام، میرفتم اونجا... تهران... ولی اینجا برام پیش‌آمد...".

از دیگر جاذبه‌های شهر تهران از دیدگاه مهاجران وجود امکانات خدماتی و رفاهی بیشتر در تهران است. از جمله‌ی این امکانات می‌توان به بیمارستان‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید، دانشگاه‌ها و ... اشاره کرد. تجمع مراکز رفاهی و خدماتی اصلی در شهر تهران از جمله دلایلی است که مهاجران به عنوان جاذبه شهر تهران از آن یاد می‌کنند و به نظر آن‌ها استفاده و بهره‌مندی از این قبیل مراکز خدماتی و رفاهی می‌تواند سبب بهبودی در کیفیت زندگی آن‌ها شود و قبل از مهاجرت به تهران استفاده از این امکانات را برای خود مفروض گرفته‌اند و فکر می‌کردند مهاجرت به تهران مساوی است با بهره‌مندی از امکانات موجود در آن و این بهره‌مندی قاعدتاً به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها منجر خواهد شد و به همین دلیل اقدام به مهاجرت به تهران کرده‌اند.

ولی با استقرار و سکونت در تهران متوجه شده‌اند که بهره‌مندی از امکانات تهران نیازمند هزینه زیاد است که برای آن‌ها چندان مهیا نبوده و نیست. پس از مهاجرت دیدگاه آن‌ها نسبت به امکانات و خدمات در تهران قدری تغییر کرده و به نظر آن‌ها امکانات در تهران زیاد است ولی نه برای همه، بلکه برای آن‌هایی که توان پرداخت هزینه و صرف وقت برای آن‌ها را دارند "اگه پیش بیاد که نمیداد... تا غروب سر کارم... تنهام هستم و مجردم، میرم و از امکانات و خدمات تفریحی اینجا استفاده می‌کنم ولی کلاً زیاد استفاده نکردم چون پول ندارم، تازه وقت هم ندارم به اندازه کافی... کسی هم نیست باهاش برم تقریباً. تازه چند باری رو رفتم حالا خواسته و ناخواسته رفتم و استفاده کردم ولی خب به چه قیمتی؟! به قیمت اینکه برای جبران هزینه‌ای که برای یک روز می‌خواد بهم خوش بگذره و تفریح کنم، بایستی چند روز کار کنم و سر کار باشم و با این و اون چونه بزنم که خرج اون یک روزم جبران بشه".

بصورت کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که هدف اصلی و یا جاذبه اصلی تهران از دیدگاه مهاجران امکان وجود پیشرفت شخصی است که و این پیشرفت شخصی در کسب شغل و درآمد نمود پیدا می‌کند و در این بین استفاده از امکانات آموزشی نیز یکی از وسایل رسیدن به این مطلوب است.

ب) جاذبه‌های مبدأ

یافته‌های تحقیق حاکی از این است که با سکونت در تهران روی دیگر سکه زادگاه برای مهاجران هویدا می‌شود و با دیدن و لمس کردن دافعه‌های مقصد مهاجرت، جاذبه‌های مبدأ آشکارتر می‌گردد. غالباً مشارکت‌کنندگان در پژوهش از هزینه‌های کمتر زندگی در شهرستان به عنوان جاذبه مبدأ مهاجرت خود یاد می‌کنند و بیان می‌دارند که هزینه زندگی در شهرستان قابل قیاس با تهران نیست. شاید زمانی که این مهاجران در مبدأ زندگی می‌کردند چنین مزیتی را در محل سکونت خود نسبت به تهران احساس نمی‌کردند ولی با مهاجرت و سکونت در مقصد و لمس کردن تفاوت هزینه‌ها چنین تمایزی بین مبدأ و مقصد شکل جاذبه برای مبدأ به خود گرفته است. در واقع شاید بتوان اینگونه بیان کرد که جاذبه و دافعه‌های یک محل تنها به وضعیت خود

آن محل بر نمی‌گردد بلکه این دافعه‌ها و جاذبه در پیوند با محلی دیگر و در یک مکانیسم مقایسه است که در ذهن فرد شکل و قوام به خود می‌گیرد.

از دیگر جاذبه‌های مبدأ از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق وجود ارتباطات عمیق و گرم و معاشرت بیشتر در شهرستان محل سکونت است. در نظریه‌های کلان مهاجرت کمتر به بحث ارتباطات عمیق و عاطفی به عنوان عامل جذب افراد صحبت شده است و غالباً به امور زیرساختی و اقتصادی و توسعه‌ای به عنوان امر جاذب جمعیت توجه شده است ولی آنگونه که از تحلیل مصاحبه‌های تحقیق مشخص است یکی از جاذبه‌های اصلی مبدأ که تمایلی شدیدی برای بازگشت در مهاجران به وجود می‌آورد ارتباطات گرم و عمیق با خانواده و دوستان و معاشرت بیشتر با اطرافیان در مبدأ مهاجرت است. شاید در تهران و سایر کلان‌شهرها ارتباط بیشتر باشد ولی سطحی بودن و سرد بودن چنین ارتباطاتی نمی‌تواند جای خالی ارتباط عمیق و دارای بار احساسی و عاطفی را در مبدأ مهاجرت پر کند. "ارتباطمون با فامیل خیلی زیاد بود... بخصوص من که توی خانواده شلوغی بودم همیشه مهمان داشتیم و با فامیل‌های حتی خیلی دورمون هم ارتباط داشتیم. الان هم دوری از خانواده هم خیلی اذیت کننده است و آرزو دارم که بتوانم کنار خانواده‌ام زندگی کنم". در همین راستا و به واسطه ارتباط بیشتر با خانواده و اطرافیان مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کنند که در شهرستان غم غربتی را تجربه نمی‌کنند و این چیزی است که بعد از مهاجرت همراه زیست روزمره آن‌ها شده و از نبود آن در مبدأ به عنوان یکی از جاذبه‌های زادگاه یاد می‌کنند. همانگونه که عنوان شد برخی از این جاذبه‌ها در ارتباط و پیوند با ضد خود رنگ و جلوه پیدا می‌کنند و این نبود غم غربت در شهرستان قاعدتاً پس از مهاجرت و در ارتباط با مبدأ برای مشارکت‌کنندگان رنگ جاذبه به خود گرفته است "گرچه هنوز هم نتوانستم بر این غم دوری مرهم بگذارم ولی اوایل خیلی بدتر بودم و خیلی گریه میکردم و کارم شده بود دیدن عکس خانواده و گریه کردن".

وجود ارتباط با خانواده و زندگی در محیط آشنا که فرد به آنجا احساس تعلق می‌کند به نوعی احساس خودی بودن و امنیت را به همراه دارد و استرسی را که هر محیط جدیدی به فرد وارد می‌کند، در خود ندارد. برای مشارکت‌کنندگان در تحقیق نیز وجود حس امنیت بیشتر در

مبدأ نسبت به مقصد امری محسوس و ملموس است و از آن به عنوان جاذبه مبدأ یاد می‌کنند. علاوه بر موارد فوق نبود ترافیک و شلوغی تهران و همچنین بهره‌مندی از طبیعت و آب هوای مبدأ نیز از مزایایی است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش به آن اشاره می‌کنند. "کرمانشاه از نظر موقعیت و آب و هوا و زندگی خیلی خیلی بهتره از اینجا.. آلودگی نداره.. شلوغی نداره... ولی چکار کنم که شهرستان کار اونجا نیست... همین به عامل باعث شده ما رو و بقیه رو بکشونه سمت تهران... همیشه ترجیحم شهرستانه".

ج) دافعه‌های مقصد

در قیاس با مبدأ مهاجرت مهاجران که عموماً نیز شامل شهرستان‌ها و روستاهای سایر استان‌ها می‌باشد، سکونت در تهران که همراه است با آلودگی هوا، ترافیک و شلوغی زیاد قاعداً به عنوان یک دافعه عمل می‌کند و این چیزی است که مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نیز از آن به عنوان یکی از دافعه‌های کلان‌شهر تهران یاد می‌کنند. علاوه بر موارد فوق گرانی مسکن و سایر هزینه‌های زندگی در پایتخت سبب شده که مهاجران ابتدا به سکونت در محلات حاشیه‌ای و فقیرنشین شهر هجوم برند و در ثانی برای تامین مخارج زندگی در این محلات فقیرنشین شهر نیز در طول روز به گونه‌ای وقت خود را صرف تامین معاش کنند که دیگر فراغتی برای آنها باقی نمی‌ماند "الان یکی از مشکلاتی که اذیت می‌کنه مشکل مسکن است... چون هر سال بیشتر می‌شه قیمت اجاره و رهن خانه... و درآمد ما هم زیاد بالا نمیره... دوری از خانواده هم خیلی اذیت کننده است... آلودگی هوا هم که نگو واقعا اذیت کننده است... مشکل دیگه خانه‌داری اینجاست چون تا از مدرسه که برمی‌گردم، مجبورم تا خستگیم در نرفته برای تهیه غذا دست به کار شوم، بپزم و بعدش بشورم و نظافت... کلا خانه‌داری سخته... رسیدن به کارای روزانه‌ات که برای انجام دادن یک کار، مجبورم به خاطر دوری مسیرها، کل روزت رو درگیر اون کار کنی آنقدر که شهر شلوغ و ترافیک زیاده و پایتخت که یک شهر خیلی بزرگیه... ولی در شهرستان که بودم ۹۰ درصد این‌ها نیست... گرچه اونجا کار در حد صفره".

زندگی تحت چنین شرایطی سختی‌ها و مشکلات خاص خود را دارد که طبیعتاً جلوه آنرا را در خلق و خو و صفات شخصیتی افراد می‌توان مشاهده کرد. به عبارت دیگر وقتی افراد در چنین شرایط سختی زندگی می‌کنند دچار خستگی مدام جسمی و روحی و روانی می‌شوند. چنین وضعیتی نمی‌تواند برای مدت زیادی قابل تحمل باشد و این خستگی‌های جسمی و روحی و روانی در آینده به احتمال زیاد به صورت بیمارهای جسمی و روانی در فرد خود را نشان می‌دهد و سبب می‌شود که کشور نیرو و سرمایه انسانی خود را به علت فشارهای اجتماعی و اقتصادی در کوتاه مدت از دست دهد؛ چرا که غالب این مهاجران از نیروهای جوان مبدأ هستند که و به امید کسب درآمد و شغل و تغییر در موقعیت زندگی خود و خانواده‌هایشان دست به مهاجرت زده‌اند ولی با دافعه‌های که در مقصد با آن مواجه شده‌اند بعید است که بتوانند در بلندمدت از نیرو و توان طبیعی خود برای فعالیت و بهره‌وری بهتر استفاده کنند.

از دیگر دافعه‌هایی که مهاجران از آن به کرات یاد می‌کنند خودخواهی و خودمحوری و ارتباطات سرد مردم کلان شهر تهران است که مهاجران از آن به عنوان دافعه مقصد یاد می‌کنند. در واقع زندگی در کلان شهرها و شهرهای کوچک ویژگی‌های رفتاری خاص خود را به ساکنان آن‌ها تحمیل می‌کند. زندگی در شهرستان‌ها یا به بیان زیمیل زندگی در اجتماعات کوچک با صمیمیت و ارتباط بیشتر و عمیقتر همراه است. معاشرت‌ها در این اجتماعات به واسطه کوچک بودن و غلبه روحیه جمع‌گرایی بر فردگرایی بیشتر از کلان‌شهرهایی مانند تهران است. مهاجرین تازه‌وارد از شهرهای کوچک به تهران، دارای چنین روحیه جمع‌گرایی هستند و زمانی که در کلانشهر تهران روابط را سردتر، سطحی‌تر و فردگراتر در می‌یابند و میزان معاشرت‌های عمیق آن‌ها نسبت به شهرستان کم‌تر می‌شود، آنرا حالتی مرضی و غیرطبیعی در نظر می‌گیرند و زندگی در چنین وضعیتی را آزاردهنده قلمداد می‌کنند. "تنهام اینجا و دوست دارم با دوستانم و فامیلام باشم...دوست دارم رفت و آمد باشم". علاوه بر این مهاجران تازه‌وارد به تهران زندگی‌ای توأم با حس غربت را تجربه می‌کنند. علاوه بر موارد فوق غم غربت پدیده‌ای است که مهاجران از آن

به کرات یاد می‌کنند و بیان می‌کنند که دوری از خانواده و اطرافیان برای آن‌ها بسیار آزار دهنده است و از آن به عنوان دافعه مهاجرت کردن یاد می‌کنند.

عصبی بودن و پرخاشگر بودن مردم کلان‌شهر نیز دیگر عاملی است که سبب شده مهاجران از زیست خود در کلان‌شهر تهران چندان خرسند نباشند. علت این عصبی بودن و پرخاشگر بودن مردم و کاهش آستانه تحمل آن‌ها نیازمند تحقیقات اجتماعی است ولی می‌توان حدس زد که مشکلات اقتصادی و اجتماعی در ظهور و تشدید این پدیده موثر است و احتمالاً منحصر به کلان‌شهر تهران نباشد و در سایر نقاط کشور نیز بتوان شاهد چنین خلصت رفتاری‌ای بود ولی به علت درهم‌تنیدگی مسائل مختلف در تهران، نمود چنین رفتاری در تهران احتمالاً بیشتر از سایر نقاط کشور است "اونجا به شهر کوچیکه همه همدیگر رو میشناسن و گرم‌تر هستن و صادق‌تر هستن مردمشون... تهران ولی صداقت رفتار ندارن... نشاط ندارن و حال و حوصله ندارن... فشارهای زندگی خیلی روی رفتار مردم اثر گذاشته و مردم اینجا عصبی ترن". مجموع چنین دافعه‌هایی سبب شده که مهاجران نتوانند به اهداف اولیه خود از مهاجرت دست یابند و خرسندی چندانی از مهاجرت خود نداشته باشند و آمادگی این را داشته باشند که با فراهم بودن شرایط شغلی و کاری به مبدأ و زادگاه‌شان رجعت کنند.

د) دافعه‌های مبدأ

مبدأ مهاجرت مطمئناً دارای دافعه‌هایی بوده است که افراد را مجبور به مهاجرت کرده است. این دافعه‌ها بر اساس تئوری‌های جریان اصلی مهاجرت به مسائل شغلی و کاری و به طور کلی مربوط به وضعیت اقتصادی مردم است. بر اساس این تئوری‌های، عموماً افراد بر اساس گزینش و انتخاب عقلانی رفتار می‌کنند و از مکانی با محدودیت‌های اقتصادی و شغلی برای کسب درآمد به سمت مراکز دارای رونق اقتصادی و امکان کسب شغل مهاجرت می‌کنند. این تئوری انسان‌ها را موجوداتی عقلانی در نظر می‌گیرد که بر اساس محاسبه و برنامه‌ریزی از محدودیت به سوی وفور حرکت می‌کنند. نتایج مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز حاکی از چنین وضعیتی است. بطوری که مشارکت‌کنندگان به عواملی مانند نبود شغل، کار طاقت‌فرسا،

وضعیت بد اقتصادی، نبود امکان تحصیل، درآمد پایین و نبود امکان پیشرفت شغلی به عنوان عوامل دافعه مبدأ مهاجرت خود اشاره کرده‌اند. همانگونه که مشخص است عوامل فوق‌الذکر جنبه اقتصادی دارند و مشارکت‌کنندگان بر اساس انتخاب عقلانی از محدودیت‌های موجود در مبدأ به سمت رفع چنین موانعی در مقصد مهاجرت یعنی تهران مهاجرت کرده‌اند. تهران به عنوان قطب صنعتی اصلی کشور بصورت مدام پذیرای مهاجرانی از سایر استان‌های محروم کشور است که از محدودیت‌های اقتصادی و شغلی به امید کسب شغل و درآمد برای امرار معاش به محلات حاشیه‌ای و فقیرنشین آن کوچ می‌کنند "بنظرم اونجا جای پیشرفت نیست یه شهر کوچیکیه... کار نداره شرکت یا کارخانه هم نداره... مگه مجبور باشی که وایسی... هر جایی کار باشه مردم هم اونجا جمع میشن وگرنه کسی دوست نداره غریبی رو".

علاوه بر موارد فوق مشارکت‌کنندگان از نظارت جمعی شدید در مبدأ مهاجرت و نقض حریم زندگی شخصی توسط دیگران به عنوان دافعه‌های مبدأ یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد چنین عاملی به مانند یک تیغ دو لبه یاد می‌کند. در واقع از یک سو مشارکت‌کنندگان در تهران از روابط سرد و معاشرت‌های کم و سطحی به عنوان دافعه مهاجرت می‌کنند و از سوی دیگر در شهرستان از نظارت جمعی زیاد و نقض شدن حریم خصوصی زندگی‌شان به عنوان دافعه مبدأ مهاجرت یاد می‌کنند "اونجا چون شهر کوچیکیه بعید میدونم عوض بشن همونجورن که هستن... دخالت اونجا زیاده همه به کار همدیگه کار دارن... تو زندگی هم دخالت میکنن".

آنگونه که مشخص است این دو وضعیت دو جنبه افراطی ارتباطات اجتماعی هستند و افراد در زندگی معاصر چیزی بین این دو حد افراط را در مراودات اجتماعی‌شان خواهان هستند و به همین خاطر در دو وضعیت فوق، قدری با مشکلات ارتباطی مواجه شده‌اند.

نتیجه گیری

همانگونه که از یافته‌های تحقیق مشخص است مهاجران در مبدأ و مقصد مهاجرت با دافعه‌ها و جاذبه‌هایی روبه‌رو هستند و بر اساس برخی از عوامل عزم به حرکت از سوی مبدأ به مقصد می‌کنند. بررسی تفاسیر ذهنی مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر بیانگر این مطلب است که جنبه‌های

اقتصادی و معیشتی و شغلی عامل اصلی مهاجرت از حاشیه‌ها به سوی مرکز است. به عبارتی عدم توسعه‌یافتگی در مبدأ سبب شده دافعه‌هایی مانند بیکاری و وضعیت نامطلوب اقتصادی و فقر گریبانگیر افراد شود و در نتیجه به سمت و سوی مناطق توسعه یافته‌تر که امکان بدست آوردن شغل در آنجا برای آن‌ها بیشتر است، مهاجرت کنند. چنین یافته‌ای همسو با یافته‌های مطالعات پیشین است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷؛ قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ قاسمی، ۱۳۹۷؛ محمودیان، و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۷) که بر بیکاری، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، نبود امکانات رفاهی، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی و رسانه‌های ارتباطی، عدم وجود شغل مناسب با تحصیلات افراد در نقاط روستایی و در مقابل، وجود شغل، فضای باز اجتماعی، مشاغل صنعتی و خدماتی مناسب با تحصیلات افراد، امکانات و تسهیلات رفاهی و بهداشتی، مسکن‌های مناسب، وجود رسانه‌های جمعی و خدمات آموزشی در نقاط شهری تاکید دارند که از جمله مهمترین دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری هستند که سبب مهاجرت حاشیه‌ها به مراکز می‌شوند. در ادبیات نظری نیز می‌توان نظریه راونشتاین را که بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها تأکید دارد و آن را مهمترین عامل برانگیزنده مهاجرت‌ها می‌داند و همچنین نظریه جاذبه-دافعه توماس^۱ که بر عدم تعادل اجتماعی- اقتصادی میان مبدأ و مقصد متمرکز شده است، به عنوان تاییدی بر یافته‌های این پژوهش معرفی کرد.

با این حال پس از مهاجرت و استقرار در مقصد عوامل گوناگونی در نسبت با مبدأ برای مهاجران به دافعه و یا جاذبه تبدیل می‌گردند که چندان ارتباطی با نظریه‌های اقتصادی مهاجرت ندارد و بیشتر مربوط به نحوه زیست در اجتماع و جامعه یا به عبارت دیگر زیستن در محیط اجتماعی کوچک و خرد مقیاس و زیستن در کلانشهرها قابل تبیین است. در واقع شاید بتوان اینگونه بیان کرد که جاذبه و دافعه‌های یک محل تنها به وضعیت خود آن محل بر نمی‌گردد بلکه این دافعه‌ها و جاذبه در پیوند با محلی دیگر و در یک مکانیسم مقایسه است که در ذهن فرد شکل و قوام به خود می‌گیرد. چنین جاذبه‌ها و دافعه‌هایی شامل ارتباطات و معاشرت زیاد

در مبدأ و ارتباط و معاشرت کم در مقصد، ارتباط سرد و سطحی در کلانشهر و ارتباط عمیق گرم در مبدأ، شلوغی و ترافیک و آلودگی و عصبی بودن مردم در کلانشهر و آرامش و راحتی همراه با بهره‌مندی از هوای پاکیزه و زندگی راحت در مبدأ، نظارت جمعی زیاد و نقض حریم زندگی شخصی در مبدأ و گمنامی و حفظ حریم زندگی شخصی در مقصد و ... را به عنوان عوامل اجتماعی جاذب و دافعه مبدأ و مقصد یاد کرد که در رویکرد کمی به مهاجرت چندان به آن‌ها توجه نشده است و دست یافتن به آن‌ها در سایه انجام تحقیقات کیفی محتمل‌تر است. ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که برخی از عوامل مانند نقض حریم خصوصی زندگی شخصی در شهرستان که مهاجران از آن به عنوان دافعه مبدأ یاد می‌کنند و حفظ حریم زندگی خصوصی و نبود نظارت جمعی در مقصد یا کلانشهر تهران که از آن به عنوان جاذبه یاد می‌کنند، تغییراتی فرهنگی هستند که در ارزش‌های افراد ایجاد شده و به نوعی با افزایش و گسترش نفوذ ارزش‌های فردگرایانه در افراد جامعه برخی عادات جمگرایانه زندگی در اجتماعات کوچک به دافعه تبدیل شده و نقیض آن در کلانشهرها به جاذبه تبدیل شده است. به عبارت دیگر تغییرات فرهنگی و ارزشی در جامعه دیدگاه افراد را نسبت به جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد، دچار تحولات و تغییراتی کرده است که در پژوهش‌های حوزه جمعیت‌شناسی بایستی مد نظر قرار گیرند و به آزمون کشیده شوند. در نتیجه می‌توان اینگونه بیان کرد که برای تعدیل مهاجرت افسارگسیخته به کلانشهرهایی مانند تهران علاوه بر در پیش گرفتن سیاست‌های تمرکززدایی اقتصادی و توسعه‌ای بایستی بر روی عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای قرار داد، چرا که به نظر می‌رسد در برخی از موارد دافعه‌های اقتصادی شهرستان‌های محروم شرط لازم برای مهاجرت هستند ولی در پیوستگی با شرط کافی دافعه فرهنگی و اجتماعی عمل خواهند کرد. البته همانگونه که بیان شد این مدعا برای تایید یا رد نیازمند تحقیقات بیشتر است.

به صورت مشخص در زمینه موضوع این تحقیق می‌توان پیشنهادات پژوهشی و سیاستی ذیل

را مطرح کرد:

۱. انجام مطالعات کیفی در زمینه موضوع مهاجرت که جنبه‌های عمیق‌تر ذهن مهاجران را واکاوی کند
۲. به واسطه تغییرات فرهنگی به وقوع پیوسته، نیاز است که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجرت به عوامل فرهنگی و ارزشی در جذب و دفع مهاجران توجه بیشتر شود که با این امر با استفاده از تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی در مطالعات جمعیتی مسیر می‌گردد.
۳. در پیش گرفتن سیاست‌های تمرکززدایی اقتصادی و توسعه‌ای در شهرهایی مانند تهران که جذب مهاجر در آن‌ها غالباً به دلایل اقتصادی و اجتماعی است.
۴. در راستای سیاست تمرکززدایی از توسعه کلانشهری در تهران و سایر محیط‌های مشابه توجه به جنبه‌های فرهنگی و ارزشی و تغییرات پدید آمده در سبک زندگی مدنظر قرار گیرد.

منابع

- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۶). *نظریه‌های توسعه روستای*، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). *مهاجرت داخلی در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- جعفرلو، علی اکبر (۱۳۹۷). "تحلیلی بر نقش مهاجرت در ایجاد آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهر الوند در استان قزوین)"، *جغرافیا و روابط انسانی*، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۴۴۵-۴۶۳.
- راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۸۸). "علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی- اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال چهارم، شماره ۸، صص: ۳۹-۶۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۹). "شهرگزیزی و چشم انداز تمرکز زدایی در شهر تهران"، *مدیریت شهری*، شماره ۲۵، صص: ۴۹-۶۲.
- زاهد، سید زاهد و فریبا خورشیدی (۱۳۹۰). "بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی- جمعیتی موثر بر رضایتمندی از مهاجرت به شهر نورآباد ممسنی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره پیاپی (۴۲)، شماره ۲، صص: ۴۷-۶۶.

- زرقانی، سیدهادی و یونس غلامی و محمد قنبری و محمدحسین قیاسی و سید مصطفی حسینی (۱۳۹۵). "تحلیلی بر توزیع فضایی مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۲ (طرح آمایش ۵-۹)". *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۷، شماره ۲۷، صص: ۱۲۷-۱۴۶.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *مهاجرت*، تهران: سمت.
- غلامی، محمد و غلامرضا زمانی (۱۳۸۹). "مولفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری و رشد مناطق کلانشهری در ایران"، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، سال ۲، شماره ۶، صص: ۷-۲۲.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۷). *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان*، تهران، مرکز آمار ایران، پژوهشکده‌ی آمار.
- قاسمی اردهایی، علی؛ حسین محمودیان و رضا نوبخت (۱۳۹۶). "تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰"، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۳، صص: ۳۷۵-۳۹۰.
- قاسمی، پروین (۱۳۹۷) مسکن، مهاجرت و محله‌های مردمی؛ راهبردهای بقا و ارتقا در میان مهاجران کم درآمد شهری (مطالعه موردی: خانواده مهاجر ساکن محله خزانه در تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۵۲۳-۵۵۲).
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، تهران: طرح مشترک دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.
- محمودیان، حسین و محمود مشفق (۱۳۸۷). "بررسی تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای در ایران طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره ۶، صص: ۸۹-۱۱۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. <https://www.amar.org.ir>.

- مظاهری، محمد (۱۳۹۰) "تحلیلی بر تأثیر متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیر گذار آن، " *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۰۲، صص: ۱۶۹-۱۸۸.
- میرزامصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲). "عوامل مؤثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه، " *فصلنامه سیاست‌های اقتصادی و مالی*، سال اول، شماره ۳، صص: ۷۱-۹۶.
- Adewale, J (2005). "Socio-economic factors associated with urban-rural migration in Nigeria: a case study of Oyo state, Nigeria", *Journal of Human Ecology*, 17(1): 13-16.
- Beauchemin, C (2011). "Rural-Urban migration in West Africa: towards a reversal? Migration trends and economic situation in Burkina Faso and Coted, Ivoire", *Population, Space and Place*, 17(1): 47-72.
- Brown, D., and N. Glasgow (2008). *Rural retirement migration*, Springer Press.
- Champion, T. (2001). "The continuing urban-rural population movement in Britain: trends, patterns, significance", *Espace, Populations, Societies*, 1(2): 37-51.
- Ernst Georg Ravenstein (1885). "The Laws of Migration", *Journal of the Statistical Society of London*, 48 (2): 167-235.
- Ernst Georg Ravenstein (1889). "The Laws of Migration" *Journal of the Royal Statistical Society*, 52 (2): 241-305.
- Hoggart, K. (1997). Rural Migration and Counter-urbanization in the European Periphery: The Case of Andalusia", *Sociologia Ruralis*, 37(1): 134-153.
- International Organization for Migration (2019). World Migration Report. Online Available at: https://publications.iom.int/system/files/pdf/wmr_2020.pdf
- Kahsai, M., and P. Schaeffer (2009). "Deconcentration, Counter-urbanization, or Trend Reversal? The Population Distribution of Switzerland, Revisited" *Regional Research Institute*, West Virginia University.
- Lee, E.S. A (1966). *theory of migration*. Demography. 3: 47-57.
- Mendola, M (2010). "Rural out-migration and economic development at origins: A review of the evidence", *International Development*, 24: 102-122.
- Richart, C., V. Cromartie and B. Arthun (2014) "Impacts of return migration on rural U.S communities", *Rural Sociology*, 79(2): 200-226
- Thomas, Dorothy Swaine (1941). "Social and Economic Aspects of Swedish Population Movements", 1750-1933. Pp. xxiv, 487. New York: The Macmillan Co.,
- Zipf, George K. (1946). "The P1P./D Hypothesis: On the Intercity Movement of Persons" و *American Sociological Review*, 11:677-686.

Original Research Article ■

Immigrants' Mental Understanding of the Pull and Push of the Destination and Origin of Migration: A Case Study of Immigrants in the North Persian Gulf District of Tehran

Younes Akbari¹

Abstract Most of the research concerned with the role of pull and push factors in migration, have often employed the positivist and quantitative approach, usually ignoring the mental interpretations of migrants towards the pull and push factors of origin and destination. This study used the qualitative method and the sample size comprised of 23 individuals who were selected by theoretical sampling. Interviews were analyzed using the conventional content analysis technique. According to the participants' point of view, factors related to economy, livelihood and job were the main reasons to migrate from suburbs to the capital city. However, after migrating and settling in the destination, various factors may become pull or push factors compared, which have little relationship with the economic theories of migration. The above-mentioned changes can be explained by the way of life in the community and society, or in other words, living in a small and micro-scale social environment as well as living in metropolises. As a general conclusion, it can be expressed that the pull and push factors of a place do not relate only to the condition of the place per se, rather they are in connection with both the other place and in a mechanism of comparison that will be formed in the individual's mind.

Keywords Pull, Push, Internal migration, Understanding, Mental interpretation.

Received: 2020.08.11

Accepted: 2020.12.29

¹ Instructor of Sociology, Department of Youth and Generation Relations, Institute of Humanities and Social Studies (ACECR), younes.akbari1987@gmail.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.134727.1157>